

## گسترش و کاربرد علوم اجتماعی .۰ (بقیه)

به آن وجود داشته هیچگاه تحت این عنوان ویژه و در موسسه واحد و مستقلی انجام نمی گرفته بلکه شکل پراکنده و منفرد داشته است، برای نخستین بار مسائل تحقیق اجتماعی به صورت زنده در قالب بررسی (آنکت یا Survey) مطرح شد و اگر چه در ابتدا این بررسی عاصورت مقدماتی و راه یابی داشت و با توجه محدود به بررسی های جزئی و تشکیل سفینارها شروع می شد و ضمن آن از نیروی دانشجویان این رشته و کنفرانس ها و راهنمایی های استادان و محققان و دانش پژوهان خارجی استفاده می شد، لیکن به تدریج شکل منسجم تری پیدا کرده به صورت گروه های تخصصی تحقیق درآمد. از لحاظ تدریس و تعلیم علوم اجتماعی، تاسیس رشته فوق لیسانس علوم اجتماعی اقبل از آنکه لیسانس علوم اجتماعی وجود داشته باشد و پس از چندی ایجاد یک دوره دو ساله تکمیلی فوق دیپلم (که چند سال بعد منحل شد) دانشگاهی اجتماعی را به داوطلبان ارائه می کرد. بدیهی است داوطلبان دوره فوق لیسانس ابتدا فارغ التحصیلان لیسانس و حتی دکترای سایر رشته ها از قبیل رشته های ادبیات و حقوق و فلسفه و زبان تا دامپزشکی و معماری ... را شامل می شد و بالطبع دانش پژوهان علاقمندی را که در صدد کسب اطلاعات عمومی در علوم اجتماعی جدید بودند در بر می گرفت.

ولی برای گروهی که سابقه ای در علوم اجتماعی نداشته و بر اطلاعات عمومی خود متکی بودند گذراندن یک دوره کوتاه مدت ولو زیر عنوان فوق لیسانس، برای دریافت تخصص در علوم اجتماعی کافی نمی نمود و مشتمل بر حداقل اطلاعات بود که مبانی جامعه شناسی و روانشناسی اجتماعی و جمعیت شناسی و اقتصاد و آمار و تاریخ اجتماعی ایران و جغرافیای انسانی و مردم شناسی و پاره ای دروس فرعی دیگر علوم اجتماعی را که چاشنی آن شده بود به دانشجویان ارائه می کرد. به علاوه بررسی های اجتماعی و ترجمه و تالیف کتب در زمینه

(که به صورت نیمه مستقل در کادر موسسه تدریس را با تحقیق توأماً انجام می داد)، استقبال دانشجویان روز افزون بوده است، به طوریکه اکثریت دانشجویانی که با کنکور وارد دانشکده ادبیات و علوم انسانی می شدند اختصاصاً داوطلب رشته های علوم اجتماعی بودند و فارغ التحصیلان بسیاری رشته ها نیز داوطلب فوق لیسانس علوم اجتماعی بوده اند. ظرف ۱۰ سال (۱۳۴۸) در موسسه تحقیقات اجتماعی حدود ۵۰۰ نفر فوق لیسانس و ۶۰۰ نفر لیسانس علوم اجتماعی فارغ التحصیل شدند که در کارهای مختلف اجتماعی و عمرانی به کار پرداختند و نیز به تدریج اما خیلی دیر جای خود را در بین سایر شاغلین باز کردند و در موسسات شناخته شدند.

در سال تحصیلی ۴۷ - ۱۳۴۶ تعداد ۵۶۰ نفر دانشجوی در دوره لیسانس، ۷۵ نفر در دوره فوق لیسانس و ۷۳ نفر در دوره تکمیلی به فرا گرفتن علوم اجتماعی مشغول بودند. در این مدت موشه مطالعات و تحقیقات اجتماعی موفق شده بود نزدیک به ۷۰ جلد کتاب نیز ترجمه و تالیف و تحقیق مونوگرافی انتشار دهد.

نیازهای جامعه به توسعه آموزش و پرورش در دوره عالی و فعالیت موسسه تحقیقات دانشگاه تهران باعث شد که در پنجساله اخیر فعالیت در زمینه علوم اجتماعی افزایش یابد. پس از دانشگاه تهران (دانشگاه ملی تهران) و دانشگاه پهلوی شیراز و سپس دانشگاه تبریز رشته علوم اجتماعی در حقیقت ایجاد کردند. سایر موسسات دانشگاهی نیز در اکثر رشته ها چند واحد جامعه شناسی اجباری برای دانشجویان در برنامه خود گنجانیده اند. رشته علوم اجتماعی دانشگاه پهلوی شیراز تحت عنوان کلی و عملی «عمران ملی» شروع به کار کرد و در دانشگاه تبریز موسسه تحقیقات اجتماعی که بیشتر جهت گیری جغرافیایی به خود گرفت، به وجود آمد.

در دوره های شبانه دانشگاه تهران نیز رشته علوم اجتماعی بین تعداد معدودی رشته های دیگر علوم انسانی به چشم می خورد. از ۱۳۴۷ تا ۵۱ به طور متوسط هر سال ۶۰۰

**توسعه آموزش علوم اجتماعی**  
در زمینه آموزش و تعلیم در گروه آموزشی علوم اجتماعی (که تا سال ۱۳۵۱ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی فعالیت می کرد) و دوره فوق لیسانس علوم اجتماعی

۷۰۰ دانشجو در واحد های مختلف علوم اجتماعی در دانشگاه تهران مشغول تحصیل بوده اند. موسسات مختلف نیمه دانشگاهی و رشته های علمی و فنی دانشگاه که با مسائلی غیر از علوم انسانی سروکار دارند، چند واحد درسی جامعه شناسی در برنامه خود گذاشتند، تا آنجا که اطلاع در دست است در دانشکده های دامپزشکی، کشاورزی، هنرهای زیبا، بهداشت، دندانسازی، حقوق، اقتصاد، علوم تربیتی، (همگی در داخل دانشگاه تهران) و آموزشگاه ها و مدارس عالی کشور: آموزشگاه خدمات اجتماعی و رفاهی، حسابداری، زبان و ادبیات، پلی تکنیک، علوم بیمارستانی، ارتباطات اجتماعی، آموزشگاه های پرستاری و دانشسرای عالی چندین واحد درسی جامعه شناسی یا سایر علوم اجتماعی در برنامه خود گنجانده اند. اکثر این دانشکده ها و موسسات، خاصه موسسات دانشگاهی از گروه آموزشی علوم اجتماعی انتظار داشته اند که معلمین متخصص علوم اجتماعی برای تدریس فراهم کند که در همه موارد پاسخ مکنی برای آن وجود نداشته است.

تا اینجا، علوم اجتماعی را در معنای اخص و محدود کلمه به کار بردیم. اگر بخواهیم رشته های وابسته (مانند تاریخ و جغرافیا و باستانشناسی) و رشته های کاربردی (مانند بازرگانی و ارتباطات اجتماعی و علوم پرورشی) و نظایر آن را اضافه کنیم به گسترشی می رسیم که سایر رشته ها را به کلی تحت الشعاع قرار میدهد. **چارچوب کنونی تدریس و تحقیق علوم اجتماعی در ایران**

چنانکه از مقدمه بالا برمی آید، آموزش و پژوهش علوم اجتماعی در ایران از همان آغاز فقط در چارچوب دانشگاه تهران و بسد به صورت عام تر، در دوره های آموزش عالی توسعه یافته است و انعکاس آن در خارج خاصه در دستگاه های دولتی کم و بیش از طریق تحقیقات سفارشی و در سایر بخشهای جامعه از طریق کتب و مطبوعات بوده است. بنابراین باید چارچوب تدریس و تحقیق علوم اجتماعی را چه در معنای محدود (جامعه شناسی رشته های وابسته)

و چه در معنای وسیع ( کلیه رشته های که زیر عنوان عام علوم اجتماعی درمی آید از تاریخ و باستانشناسی تا علوم سیاسی و اقتصاد و رشته های عملی وابسته از قبیل بازرگانی و مدیریت و غیره ) در دانشگاهها و مدارس عالی جستجو کرد ، و دروسی را که تحت عنوان علوم اجتماعی در دبیرستانها تدریس می شود با تعبیر عام تر تعلیمات اجتماعی شناخت . جز آنکه در سالهای اخیر پس از دوره راهنمایی در رشته نظری و جامع دبیرستانها رشته های به نام علوم اجتماعی و اقتصاد نیز پیش بینی شده است که هنوز در عمل پیاده نشده و باید منتظر توسعه بعدی علوم اجتماعی ( به معنای اخص واقعی آن ) در دبیرستانها بود .

برای اینکه روشن تر موقعیت کنونی علوم اجتماعی را در ایران ارزیابی کنیم ، لازم است تقسیم بندی رشته های علوم اجتماعی را با توزیع مکانی این رشته ها ( دانشکده ها ) مورد بررسی قرار دهیم .

### رشته های علوم اجتماعی و توزیع موسسات آموزشی

چنانکه می دانیم ، در بعضی از کشورهای جهان ، علوم اجتماعی از مطالعات فلسفی و تاریخی سر درآورده و هنوز هم وابسته به این رشته هاست . در موارد دیگر ارتباط آنها با علوم طبیعی است ( خاصه آنجا که انسان شناسی تاریخی توسعه یافته است ) . در مواردی با حقوق و علوم سیاسی و اقتصاد و بازرگانی و در مواردی با رشته های برنامه ریزی و آینده نگری پیوند دارد . در بسیار دیگر از کشورها که علوم اجتماعی تازه « پیریزی » می شود ، به صورت رشته مجزا و مستقل درآمده است . در هر حال منشأ و چگونگی تکوین این علوم ، موجودیت و نحوه حیات این رشته ها را شدیداً تحت تاثیر قرار داده است و نیز در بسیاری از موارد ، راهبای تامین منابع مالی تحقیق و تدریس آنها را هم متأثر ساخته است .

بالتجربه عکس العمل دانشگاهها و جامعه را نسبت به ارزش و اعتبار این علوم تا حدود زیادی مشروط به شرایط معینی کرده است .

پس قبل از هرگونه بررسی آماری ، باید به بینیم علوم اجتماعی در چه مفهوم و با چه گسترشی به کار رفته است و چه رشته های را می پوشاند . تا چه حد جزئی از یک مستقل و تا چه حد جزء یکی از یک بیان عام است که در یک معنای وسیع علوم اجتماعی خوانده شده است . بالاخره رشته های مختلف علوم اجتماعی ، در ارتباط با سایر رشته ها ، تا چه حد هماهنگ و همساز بوده است . شاید بر این اساس بتوانیم به مفهوم دقیق تری از علوم اجتماعی در ایران دست یابیم .

در یک تقسیم بندی که توسط یونسکو به عمل آمده ، رشته های اقتصاد ، جمعیت شناسی ، حقوق ، علم سیاست ، انسان شناسی اجتماعی و فرهنگ ، آمار اجتماعی ، روانشناسی اجتماعی و جامعه شناسی به عنوان رشته های اصلی علوم اجتماعی پیشنهاد شده و جرم شناسی ، تاریخ ، جغرافیای انسانی ، زبان شناسی ، مدیریت و مطالعات بازرگانی ، علوم تربیتی ، علوم اداری و مطالعه روابط بین المللی به عنوان رشته های ثانوی به آن افزوده شده است . و بالاخره در مواردی زیبایی شناسی ، فلسفه ، متفکر منطقی و اخلاق و مطالعه مذاهب هم در این شمار آمده است .

بنابراین در اینجا دو معنای محدود و وسیع را می توان بدست آورد . یا به طور جداگانه مطالعه هر یک از این رشته ها در آمارهایی که وزارت علوم و آموزش عالی ایران از رشته های تحصیلی دانشگاهها و مدارس عالی ارائه کرده ، معنای وسیع علوم اجتماعی را مدنظر قرار داده است و زیر عنوان علوم اجتماعی هشت رشته زیر را به طور مستقل ذکر کرده است :

علوم اداری و بازرگانی ، اقتصاد ، جغرافیای انسانی ، حقوق و علوم سیاسی ، علوم ارتباطات اجتماعی ، آمار ، جامعه شناسی ( و رشته های پیوسته ) .

در آمارهای کلی تر این وزارتخانه ، علوم انسانی و علوم تربیتی و حقوق مستقل از علوم اجتماعی در ردیف سایر رشته ها از قبیل علوم طبیعی و مهندسی و کشاورزی و پزشکی ... قرار داده شده است . در هر حال مسلم است

که در آمارهایی که وزارت علوم تهیه و منتشر کرده به جز رشته های که به طور مستقل عنوان شده ( مانند علوم تربیتی - حقوق ) همه رشته های نظری و عملی علوم اجتماعی را که در بالا ذکر شد در مجموعه واحدی قرار می دهد . یعنی به علوم اجتماعی معنای وسیع آن را اطلاق می کند . و اما اگر به آنچه صرف عادات و سوابق در دانشگاهها حکم می کند استناد کنیم ، علوم اجتماعی ( چنانکه از نام دانشکده علوم اجتماعی و موسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی ) نیز برمی آید شامل رشته های خاص را معین می شود و سایر رشته ها با نام اختصاصی آنها ذکر می شود .

تمرکز بعضی از رشته ها در دانشکده معین ، مسئله تداخل و ارتباط این رشته ها را متنی نمی سازد . مگر در عرف دانشگاه و رشته های تفریحی و مستقل و وابسته و پیوسته کنار هم گذاشته می شود . جامعه شناسی ، انسان شناسی ، روانشناسی اجتماعی ، جمعیت شناسی و مشتقات آنها به عنوان هسته مرکزی علوم اجتماعی شناخته شده است که در کنار رشته های مستقل مثل علوم سیاسی و علوم اقتصادی و حقوق و غیره قرار می گیرد و کلاً علوم اجتماعی را در معنای اخص تشکیل می دهند . در عین حال در دوره های لیسانس خاص علوم اجتماعی چند واحدی نیز از سایر علوم اجتماعی تدریس می شود ( البته به هر حال در آمارهایی که ارائه می شود ، باید به این برداشتهای متفاوت از رشته ها و شعبات علوم اجتماعی توجه داشت .

### توزیع در دانشکده ها

**الف - در دانشگاه تهران :** در معنای اخص علوم اجتماعی امروزه در دانشگاه مستقل علوم اجتماعی و تعاون متعزز است ولی اگر کلیه رشته های علوم اجتماعی را در معنای اعم در نظر بگیریم ، برحسب دانشکده به تقسیم بندی زیر می رسیم :

۱ - جامعه شناسی و علوم وابسته ( منظور مردم شناسی ، انسان شناسی ، جمعیت شناسی ... ) که سابقاً یکی از گروه های دانشکده ادبیات را تشکیل می داد ، امروزه با آموزش تعاونی عا توأم شده و دانشکده علوم اجتماعی و تعاون

را به وجود آورده است | همان گروه آموزشی علوم اجتماعی که تاریخچه آن در ابتدا ذکر شد ، امروزه در این دانشکده چهار گروه آموزشی : جامعه شناسی ، انسان شناسی ، جمعیت شناسی و گروه تعاون وجود دارد . رشته جامعه شناسی خود دارای دوره لیسانس و فوق لیسانس است و در هر کدام رشته های فرعی روانشناسی اجتماعی ، برنامه ریزی اجتماعی ، جامعه شناسی شهری و جامعه شناسی روستایی به اضافه فرعی های سایر رشته ها مانند فرعی دموگرافی و مردم شناسی و علوم سیاسی و اقتصاد وجود دارد ، که پس از گذراندن دروس اصلی جامعه شناسی دانشجویان بر حسب علاقه و امکانات خود به یکی از این رشته ها هدایت می شوند . به علاوه ، به این دانشکده دو موسسه تحقیقاتی نیز وابسته است که بعداً در مورد آنها بحث خواهد شد .

۲ - آموزش حقوق ، علوم اقتصادی و علم سیاست که سابقاً بر این دانشکده واحدی را تشکیل می داد ، امروزه به صورت دو دانشکده مجزا یکی دانشکده حقوق و علوم سیاسی و دیگر دانشکده اقتصاد ( ۱۳۴۶ ) درآمده است . به علاوه موسسه جرم شناسی و مرکز مطالعات بین المللی نیز وابسته به دانشکده حقوق و علوم سیاسی است که در سالهای اخیر تا حدودی توسعه یافته است . دانشکده اقتصاد هم یک موسسه تحقیقاتی دارد .

۳ - آموزش تاریخ ، جغرافیا ، زبان شناسی ، باستان شناسی ، فلسفه ، روانشناسی و سایر رشته های علوم انسانی از رشته هایی است که هر کدام به صورت یک دپارتمان ( گروه آموزشی ) مستقل در داخل دانشکده ادبیات تثبیت شده و هر یک سطوح مختلف لیسانس و بعضاً فوق لیسانس و دکتری نیز دایر دارند . به اغلب این گروه های آموزشی یک موسسه تحقیقاتی محدود نیز وابسته است ( چون موسسه روانشناسی - باستان شناسی و تاریخ ... ) . گرچه این گروه ها چندان وسیع نیستند و فعالیت تحقیقاتی آنها نیز در بسیاری از موارد محدود است ، ولی از گروه ها و رشته های قدیمی دانشگاه تهران به شمار می روند .

۴ - علوم الهی و مطالعات اسلامی، دانشکده مستقل الهیات را به وجود آورده است که سابقا تحصیلات لیسانس و فوق لیسانس داشت ولی امروزه دارای دوره های لیسانس، فوق لیسانس، دکتری و ۵ گروه آموزشی مختلف است.

۵ - دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی که در ۱۳۲۲ به صورت يك موسسه تاسیس شد، چند سال بعد شكل يك دانشکده مستقل پیدا کرد. این دانشکده دارای سه گروه آموزشی: مدیریت بازرگانی، حسابداری و خدمات عمومی است.

۶ - بالاخره دانشکده علوم تربیتی که یکی از جوانترین دانشکده های دانشگاه تهران است و دارای دوره های لیسانس و فوق لیسانس است. رشته های تحصیلی آن: روشها و برنامه های تحصیلی، کتابداری، آموزش ابتدائی و متوسطه و مبانی علم تربیت است که رشته تربیت بدنی نیز بر آن افزوده می شود.

غیر از این رشته های علوم اجتماعی که جمعا در هفت دانشکده و چندین موسسه دانشگاهی توزیع می شود، چنانکه دیدیم در کلاسهای شبانه نیز اکثر رشته های علوم اجتماعی، علوم اداری، اقتصاد، حقوق جزا و جغرافیا از آنجمله است که برنامه ها و مواد درسی آن عینا همان برنامه های این رشته ها در دوره روزانه است، ولی مدت تحصیلات حداقل ۵ سال می شود.

کاملا روشن است که از میان ۷ دانشکده که رشته های مختلف علوم اجتماعی به معنای ام در آنها توزیع شده تنها دانشکده ای که ویژگی پیدا کرده و به نام علوم اجتماعی استقلال یافته، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون است که دروس نظری را با مطالعات عملی و رشته های کاربردی (تعاون) توأم ساخته و دو موسسه تحقیقاتی با سابقه نیز به آن پیوند خورده است.

### ب - آموزش علوم اجتماعی خارج از دانشگاه تهران:

۱ - دانشگاه ملی: در دانشکده ادبیات و علوم انسانی رشته های عمده ای از علوم اجتماعی مانند

جامعه شناسی و تاریخ و جغرافیا دایر است، که به اخل لیسانس منجر می شود. در دانشکده اقتصاد، علوم اقتصادی (در سطح لیسانس و فوق لیسانس) در دانشکده حقوق دانشگاه ملی، رشته حقوق جزا (در سطح لیسانس) و چند رشته مختلف متجمله مدیریت در سطح فوق لیسانس آن تدریس می شود. در همه این رشته ها چندین واحد درس جامعه شناسی نیز تدریس می شود.

از طرفی بعضی رشته های خاص مانند آمار و خدمات اجتماعی، به صورت موسسات مستقل دانشجویی پذیرفته اند.

۲ - دانشگاه های شهرستانها: در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، رشته علوم اجتماعی (با گرایش بیشتر به جغرافیا و جغرافیای انسانی) همراه با يك موسسه تحقیقاتی با گرایش به بررسی های اجتماعی دایر است. به جامعه شناسی نیز محل وسیعی اختصاص یافته است.

در دانشگاه بیلوی شیراز، رشته عمران ملی با گرایش به طرف کاربرد علوم اجتماعی خاصه در زمینه جامعه شناسی روستائی و برنامه های عمرانی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. در دانشگاه مشهد نیز چندین واحد درس مربوط به علوم اجتماعی تدریس می شود.

از دانشکده های که با اهداف دیگر تاسیس شده، لیکن دروس علوم اجتماعی (نظری و عملی) بخش عمده واحدهای درسی آنها را تشکیل می دهد. مانند موسسه علوم اقتصادی و مدیریت بازرگانی بابلسر و دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی (روزنامه نگاری) می-گذریم و به بررسی آماری علوم اجتماعی می پردازیم.

### توسعه کمی دانشجویان و فارغ التحصیلان علوم اجتماعی

چنانکه از بررسی مختصر کیفیت تکون علوم اجتماعی در ایران برمی آید، از دو دهه اخیر که آموزش عالی به سرعت گسترش یافته، به موازات توسعه رشته های فنی، شعب مختلف علوم اجتماعی (در معنای وسیع) همه ساله تعداد زیادی دانشجوی انتخاب کرده است.

از هرسو مدارس عالی (در بسیاری از موارد بدون در اختیار داشتن استاد و وسائل مکنی) اکثرا توسط موسسات خصوصی در تهران و شهرستانها با اخذ امتیاز از وزارت علوم و آموزش عالی تاسیس شده است، به طوری که توسعه کمی آن غیرمنتظره بوده است. در نتیجه تعداد دانشجوی ظرف کمتر از ده سال (از سال ۴۲ - ۴۱ تا ۵۱ - ۱۳۵) رشد متوسطی فرج حدود ۲۲٫۹ درصد داشته است. وطنی نه سال از ۲۴۶۵۲ نفر به ۸۶۵۷۲ تن افزایش یافته است، یعنی از شاخص ۱۰۰ به بیش از ۲۵۰ می رسد. این رقم غیر قابل پیش بینی پیرایه فشار دیپلمه های دبیرستانی و افزایش فارغ التحصیلان دوره متوسطه و عزم وزارت خانه جدید به توسعه کمی دانشجویان بوده است (۶)، که در مواردی با پرداخت حق نام نویسی، درآمدهائی برای بخش خصوصی داشته و مشوق این بخش به توسعه کمی دانشجویان بوده است. ادامه دارد

### \* رئیس گروه آموزش علوم اجتماعی دانشکده تعاون و علوم اجتماعی.

۱ - راهنمای دانشکده تهران، (جلد اول بخش پنجم ص. ۲۰-۲۱). به احتمال قوی پیش از این تاریخ ماده ای از علوم اجتماعی در دارالمعلمین تدریس نمی شد و آغاز تدریس این درس با باید از آن سال دانست. این تدریس رسما از سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۳ در دانشکده تهران تدریس شده است.

۲ - اگر بخواهیم به اعصار پیشتر برگشته، علوم اجتماعی را در نظرات دانشمندان اسلامی و ایرانی جستجو کنیم، می توانیم مخصوصا به قرون سوم تا هشتم هجری که دوره شکوفائی تمدن اسلامی است باز گردیم (قرن ۹ تا ۱۹ میلادی). علاوه بر نظریات اجتماعی و اخلاقی و سیاسی که در آثار دانشمندان نظیر غزالی و ابن سینا و فارابی ملاحظه می کنیم بجااست خاصه نام دو تن دانشمند بزرگ را که در حقیقت پایه گذار واقعی علوم اجتماعی با روش علمی امروزی بوده اند یاد کنیم. یکی ابن خلدون دانشمند بزرگ اسلامی است که با نوشتن مقدمه معروف خود علاوه بر پدیدری فلسفه تاریخ،

مباحث اجتماعی را به سبک جامعه شناسی جدید مطرح کرده است. دیگر ابوریحان بیرونی دانشمند ایرانی است که با تحقیق ماللهند خود نخستین مردم شناسی است که برای مطالعه مردم آسیا به هندوستان (محل بررسی) مسافرت کرده و ۱۵ سال مستقیما به مطالعات اتنوگرافی پرداخته و از روش مشاهده گر شرکت کننده استفاده کرده است (به مقدمه ترجمه تحقیق ماللهند رجوع شود).

۳ - روشنگرانی مانند آخوندزاده، میرزا آقاخان، ابراهیم بیک را برخی نویسندگان اخیر با (طنز خاص خود) منتسک و ولتر و روسوی وطنی لقب داده اند. حتی قبل از این دوره می توان از عباس میرزا و لیمهد که به ترجمه کتب اجتماعی علاقمند بود و امیرکبیر کار او را تکمیل می کند ... نام برد.

۴ - محمدباقر مومنی - ادبیات مشروطه صفحه ۱۵ (پلی کپی دانشکده فنی).

۵ - منظور کتاب علم الاجتماع یا جامعه شناسی تالیف دکتر یحیی مهدوی است که از نخستین تاریخ انتشار تا بحال به کرات تجدید چاپ شده است.

۶ - در کنکور سراسری سال تحصیلی ۵۲ - ۱۳۵۲ تعداد ۷۲۶۳۱ نفر شرکت کرده بودند، که از میان آنها ۹۹۵۲ نفر (۱۲٫۷۵ درصد) پذیرفته شدند. در عین حال، ظرفیت دانشگاه ها در آن سال بنا به اظهار وزیر علوم وقت نسبت به سال قبل از آن ۱۱ تا ۱۲ درصد افزایش داشته است. باید یادآور شویم که علاوه بر پذیرفته شدگان فوق، تعداد ۲۸۵۲۴ نفر در سایر موسسات عالی وابسته به وزارت آموزش و پرورش، فرهنگ و هنر، ارتش، شبانه دانشگاهها و مدارس عالی که از کنکور سراسری دانشجویان پذیرفته اند جذب می شوند و بقیه یعنی حدود ۵ درصد از داوطلبان نمی توانند وارد دانشگاهها شوند. بنابراین عده ای نیز همه ساله به خارج از کشور عزیمت می کنند. بهر حال این حداکثر دانشجویی بوده است که دانشگاه و مدارس عالی و آموزشگاههای مختلف توانسته است به خود جذب کند، بدون اینکه به نیاز همه داوطلبان پاسخ گفته باشد.



# گسترش و کاربرد علوم اجتماعی در ایران

## تاریخچه

اگر تاسیس مدرسه علوم سیاسی را در سال ۱۲۷۸ شمسی (۱۵ شعبان ۱۲۱۷ هـ. قمری) که مطابق با آخرین سالهای قرن ۱۹ میلادی است (۱۸۹۹)، نخستین گام در راه ورود علوم اجتماعی در سطح آموزش عالی ایران به شمار آوریم، می‌توانیم آغاز این علوم را به صورت یک دانش منظم و آکادمیک در ایران به اوایل قرن حاضر منسوب کنیم: علم اقتصاد، علم سیاست، حقوق بین‌المللی، حقوق تطبیقی و حقوق اداری ... از دروسی است که در این مدرسه عالی تدریس می‌شد، و در عین حال که جنبه نظری و درس دانشگاهی داشت، ضرورتی برای پاسخ به نیازها و آرمانهای تازه‌ای به‌شمار می‌رفت که به صورت خواسته‌های اجتماعی و حقوق انفرادی و آزادی شرکت عامه مردم در سرنوشت جامعه شکل می‌گرفت.

گام دوم در این راه با تاسیس دانشگاه تهران، که نخستین دانشگاه وسیع ایران به‌سبک جدید است، در سال ۱۳۱۲ شمسی یعنی حدود ۴۰ سال قبل برداشته شد. با ایجاد دارالمعلمین عالی در دانشگاه تهران که اساسنامه و دستور تحصیلات آن در ۲۵ شهریور ۱۳۱۲ به تصویب رسید و بعداً به دانشسرای عالی تغییر نام داد، دو بخش ادبی و علمی و شعبه علوم تربیتی پیش‌بینی شده بود. بی‌شک مواد هفتگانه شعبه علوم تربیتی درس «علم اجتماع از لحاظ تربیت» از مواد درسی بود که سالها به این ترتیب تدریس می‌شد (۱). به‌علاوه بعضی دیگر از علوم اجتماعی از قبیل جغرافیای انسانی، زبان‌شناسی و باستان‌شناسی در دانشگاه

ادبیات و اقتصاد و علوم سیاسی و رشته‌های حقوقی که قبلاً در مدرسه علوم سیاسی تدریس شده بود در قالب جدید دانشکده حقوق از نخستین سالهای تاسیس دانشگاه تدریس شده است.

بنابراین اگر از اوایل قرن حاضر تا قبل از جنگ جهانی دوم بتوانیم از علوم اجتماعی سخن برانیم در تعنای عام این علوم است که علاوه بر رشته‌های یاد شده در بالا شامل تاریخ و علوم سیاسی و حقوقی و علوم الهی و تربیتی می‌گردد. با اینهمه نباید از یاد ببریم که تجزیه و تحلیل مسائل اجتماعی به صورت بحث‌های پراکنده جامعه‌شناسی (یا حداقل به سبک جامعه‌شناسی) در برخی نشریات اجتماعی و سیاسی از همان دوره‌هایی که تماس مداوم و مستقیم با کشورهای مغرب‌زمین برقرار می‌شد، آغاز گشت و پاره‌ای مفاهیم جامعه‌شناسی آغشته به منطلق اجتماعی و سیاسی در بین عامه مردم بخش و پراکنده و برسر زبانها بود (۲). ترجمه کتب اجتماعی و اقتصادی در این دوره نیز درخور یادآوری است.

جنبش‌های دموکراسی طلبی و عدالت‌خواهی در آغاز قرن بیستم، خاصه انقلاب مشروطیت افکار نخبگان را نسبت به مباحث جدید اجتماعی و در این میان نسبت به نظرات مشاهیر عصر روشنگری اروپا تیزتر کرده بود و علائق مردم نسبت به دیدگاههای اجتماعی نویسندگانی نظیر ولتر و منتسکیو ... و ادبیات اجتماعی جهان روزافزون بود. حتی در ایران هم در این دوره‌ها به نقد اجتماعی و بحث‌هایی بر می‌خوریم که جمعا ادبیات مشروطیت لقب گرفته است و

با روی آمدن قشر روشنگر و طبقه نیمه مرفه شهرنشین که گاه به‌یورژوازی از آن یاد می‌شود همراه بود (۳). از این پس مفاهیمی نظیر جامعه، حکومت طبقه، دموکراسی، ملت و غیره به صورت نیمه علمی وارد بحث‌های اجتماعی می‌گردد و گاه هم در محدوده تعاریف خود از تحولات زیربنایی جامعه جلو می‌افتد (۴). به هر حال با همین پیش و اصطلاحات است که سعی می‌شود سنت‌های موجود شکسته شود و افکار جدید اجتماعی در عامه مردم رسوخ باید، گاه هم این بحث‌ها بر اساس مکاتب خاص اجتماعی استوار است. با این وجود در هیچکدام از موارد فوق نمی‌توان از علوم اجتماعی به معنی اخص سخن گفت و حتی نمی‌توان مدعی شد که این مفاهیم در معنای علمی و واقعی به‌کار گرفته می‌شده است.

ناگزیر اگر دایره سخن درس «علم الاجتماع از لحاظ تربیت» را در ۱۳۱۴ شمسی نخستین گام در راه ورود رشته جامعه‌شناسی و اختصاصی شدن علم اجتماع در ایران بدانیم قدم بعدی تاسیس کرسی جامعه‌شناسی پرورشی در دیماه ۱۳۱۸ می‌باشد که برای مدتی بالنسبه طولانی به صورت یک درس مستقل مبانی جامعه‌شناسی عمومی و پرورشی طی آن به دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و فلسفه تدریس می‌شد و در سال ۲۲-۱۳۲۱ تعداد ساعات درس آن در هفته سه ساعت افزایش یافت.

نخستین کتابی که در این باره در ۱۳۲۳ زیر عنوان جامعه‌شناسی یا علم الاجتماع منتشر شده (۵) جنبه‌های مختلف مقولات جامعه‌شناسی اگوست کنت و دورکیم ...

نخستین کتابی که در این باره در ۱۳۲۳ زیر عنوان جامعه‌شناسی یا علم الاجتماع منتشر شده (۵) جنبه‌های مختلف مقولات جامعه‌شناسی اگوست کنت و دورکیم ...

را شامل می‌شود و برداشتی کلی از جامعه‌شناسی به سبک فرانسوی است که هنوز هم تا حدودی اهمیت خود را تا به امروز حفظ کرده است.

در سال ۱۳۳۶ یعنی در حدود ۳۰ سال پس از ایجاد کرسی جامعه‌شناسی پرورشی (در تمام این مدت فقط سه ساعت درس جامعه‌شناسی پرورشی در دانشسرای عالی و سپس در دانشکده ادبیات تدریس می‌شد و چنانکه دیدیم حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی به صورت رشته واحد و مستقل منجر به اخذ لیسانس از دانشکده‌های حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی می‌شد، علوم اجتماعی به صورت یک رشته مستقل در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران درآمد و چند واحد درسی را شامل شد، ضمن آنکه دوس جامعه‌شناسی پرورشی در دانشسرای عالی و بعضی موسسات دیگر تدریس می‌گشت. در همان سال اولین سمینار علوم اجتماعی با مشارکت یونسکو در اداره اطلاعات سازمان ملل متحد تشکیل شد.

سال بعد یعنی در ۱۳۳۷ با تاسیس موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی به سه منظور: «آموزشی، پژوهشی و رایزنی»، در دانشگاه تهران، تدریس و تحقیق علوم اجتماعی گسترش چشمگیری پیدا می‌کند: در اینجا شاید برای نخستین بار به صورت رسمی عبارات مطالعه و تحقیق و مشاورت در علوم اجتماعی عنوان می‌شود و جنبه‌های علمی علوم اجتماعی و کاربرد آن مورد توجه قرار می‌گیرد. به‌علاوه قبل از این تاریخ اگر تحقیقات جامعه‌شناسی ورسته‌های وابسته